

مناسبات آزادی و امنیت

احترام سعادت فر*

چکیده

در نوشته حاضر، رابطه آزادی و امنیت بررسی شده است. از این رو، سه دیدگاه مطرح شده است: تقدم امنیت بر آزادی، تقدم آزادی بر امنیت و تعامل آزادی و امنیت. نگارنده مقاله، مدعی است که بین آزادی‌های مشروع و امنیت، هیچ تعارض و تضادی وجود ندارد و جمع آن‌ها امکان‌پذیر است و در واقع، بین آزادی و امنیت یک رابطه تعاملی برقرار است.

در نسبت میان آزادی و امنیت، توجه به این مسئله حائز اهمیت است که امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی است. برای نهادینه ساختن تعامل آزادی و امنیت لازم است که مجموعه قوانینی وضع و به اجرا گذارده شود تا با تأمین امنیت در همه سطوح، بر این مسئله نظارت و تأمین آزادی را به طور مداوم ضمانت نماید.

در واقع، قانون از جمله نهادهایی است که رابطه تعاملی بین آزادی و امنیت را تنظیم می‌کند، به طوری که

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

افراد جامعه هم از آزادی‌های مشروع خود و هم از امنیت لازم در تمام ابعاد برخوردار باشند. تا زمانی که جامعه آزادی و امنیت توأمان برقرار نباشد، جامعه به پیشرفت و توسعه نخواهد رسید؛ چرا که توسعه در سایه امنیت و آزادی تحقق می‌یابد و در فرایند توسعه، آزادی و امنیت نیز تقویت خواهند شد. **واژه‌های کلیدی:** آزادی، امنیت، رابطه آزادی و امنیت، قانون.

مقدمه

برخورداری از امنیت و آزادی، حق مردم یک جامعه است، اما رابطه آزادی و امنیت چگونه است؟ در بررسی نسبت بین امنیت و آزادی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی با توجه به دستگاه نظری خود امنیت را برجسته کرده و اهمیت آن را گوشزد کرده‌اند. در این گروه، می‌توان هابز را مثال زد. هابز امنیت را مقدم بر آزادی می‌داند. او با آزادی‌های فردی و گروهی مردم که به زعم وی می‌تواند مایه هرج و مرج و از هم‌گسیختگی سامان اجتماعی و در نتیجه از میان رفتن امنیت گردد، به مخالفت جدی برمی‌خیزد و آزادی را تنها برای حاکمیت مطلوب می‌داند تا بتواند تمایلات هرج و مرج طلبانه‌ای که در سرشت افراد انسانی است، سرکوب و در نتیجه مهم‌ترین اولویت‌های زندگی سامانمند بشری، یعنی امنیت را تأمین نماید.

از نگاه هابز، آزادی و امنیت دو مفهوم متقابل با نسبت معکوس هستند و از آنجا که امنیت برای جامعه حیاتی‌تر است، برای حفظ آن می‌بایست آزادی‌های فردی را هر چه محدودتر ساخت.^۱

دسته‌ای دیگر، معتقد به تقدم آزادی بر امنیت هستند. در این گروه، می‌توان جان لاک را مثال زد. جان لاک، که یکی از مهم‌ترین متفکران دوران مدرن است، معتقد است که آزادی مقدم بر امنیت است. او بر این باور است که در وضعیت طبیعی صلح و امنیت وجود دارد و آن چیزی که اهمیت و ارزش دارد، تأمین حقوق و آزادی‌های مردم است و یکی از اهداف دولت بایستی حفظ و تأمین آزادی‌های شهروندان باشد. از نظر جان لاک، آزادی نه تنها محل امنیت در جامعه نیست، بلکه ارزشی برتر از امنیت است.^۲

دسته‌ای دیگر رابطه میان آزادی و امنیت را تعاملی می‌دانند، به‌گونه‌ای که بروز و تأمین هر یک مبتنی بر دیگری است. از این رو در فقدان امنیت، از آزادی اثری نیست و در غیاب آزادی، امنیتی وجود نخواهد داشت.

اساساً امنیت برای تضمین و تأمین آزادی‌های اساسی و مشروع انسان است. بنابراین در این گروه تقدم امنیت بر آزادی و بالعکس نفی و بر تعامل آن دو تأکید می‌شود. در این برداشت بدون اینکه اهمیت یکی از آن دو کاهش یابد، افراد و گروه‌ها برای آنکه از حد معقولی از آزادی بهره ببرند، از بخشی از آزادی‌های خود چشم‌پوشی می‌کنند و در مقابل از امنیت برخوردار می‌شوند تا در چنین فضایی به فعالیت‌های آزادانه خود بپردازند.^۳

در این دیدگاه، مفاهیم آزادی و امنیت با یکدیگر در ارتباط هستند. از این رو، اگر آزادی با حضور امنیت همراه نباشد، قابل استفاده نیست، زیرا در یک فضای امن می‌توان به آزادی هم دست یافت. از طرف دیگر، اگر امنیت هم فاقد حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی باشد، نمی‌توان از امنیت سخن گفت، زیرا فقدان عنصر امنیت در جامعه می‌تواند مساوی با حضور استبداد و دیکتاتوری باشد تا امنیتی حاصل شود که در آن بتوان از آزادی برخوردار شد.^۴

نگارنده مقاله، در پی آن است که به این فرضیه برسد، که رابطه بین آزادی و امنیت تعاملی است و جمع بین آزادی‌های مشروع و امنیت امکان‌پذیر است.

مفهوم‌شناسی

آزادی:

آزادی، در واژه‌ها، مفهوم والایی است که در طول تاریخ بسیاری آن را ستوده‌اند.

قرآن کریم یکی از فلسفه‌های بعثت انبیاء را آزادی انسان‌ها در رهایی از قید اسارت‌ها می‌داند: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» [اعراف/۱۵۷].

معصومان و رسولان الهی نیز همواره بر جایگاه و ارزش آزادی در زندگی فردی و اجتماعی بشر تأکید کرده‌اند؛ به عنوان مثال، حضرت علی - علیه السلام - خطاب به فرزند خویش می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد و رها آفریده است».^۵

در دوره معاصر نیز در میان تمامی ملل، آزادی ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارد. هر ملتی خود را آزاد و طرفدار آزادی می‌داند و می‌نمایاند و بدان مفتخر است.^۶ به جرئت می‌توان گفت که: «هیچ کلمه‌ای به اندازه کلمه

آزادی، اذهان را متوجه نساخته است».^۷

یکی از نکات در خور تأمل درباره آزادی تکثر تعاریفی است که برای آن ارائه شده است. در این جا به عنوان نمونه به چند تعریف اشاره می‌کنیم:

فرهنگ «عمید» آزادی را از لحاظ لغوی چنین معنا کرده است: آزاد بودن، رهایی، ضد بندگی، بی قید و بند، رسته و وارسته، رها.^۸

فرهنگ «المنجد» نیز الحریه را این گونه معنی کرده است: آزادی، آزادگی، آزاد منشی، پاکی، بی آلاشی، اخلاص.^۹

برای مفهوم آزادی از جهت اصطلاحی تعاریف و معانی مختلفی ذکر کرده‌اند، چرا که آزادی در مکاتب مختلف معانی متفاوتی دارد:

امام خمینی (رحمة الله علیه) برای آزادی ارزش و جایگاه والایی قائل بود. زمانی که از امام درخواست می‌شود که آزادی را تعریف کنند، ایشان فرمودند: «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما حتماً باید این عقیده را داشته باشید. کسی به شما الزام نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی به شما الزام نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشید یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنید، آزادی یک چیز واضحی است».^{۱۰}

در این تعریف به آزادی منفی توجه شده، هر چند در بیانی چون عبارت زیر به آزادی مثبت و مفهوم مثبت آزادی نیز اشاره دارد: «حق اولیه بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد».^{۱۱}

علامه محمدتقی جعفری آزادی را چنین تعریف می‌کند: «معنای آزادی عبارت از باز بودن راه فعل و ترک فعل برای یک انسان است، اعم از اینکه یکی از دو طرف یا هر دو طرف دارای ارزش یا ضد ارزش بوده باشد. آنچه که آزادی را موصوف به معقول یا نامعقول می‌سازد، مربوط به بهره‌برداری از آزادی است، که اگر مطابق اصول و قوانین مفید انسانی باشد، آزادی معقول نامیده می‌شود».^{۱۲}

میرزای نائینی در تعریف آزادی می‌نویسد: «آزادی قلم و بیان و نحوها ... که مراتب آزادی خدادای است. حقیقت آن عبارت است از رها بودن از قید تحکیمات طاغوت و نتیجه مقصود آن، بی مانعی از موجبات تنبه

ملت و باز شدن چشم و گوش است و پی بردنشان به مبادی ترقی، شرف، استقلال وطن، قومیت شناسی و اهتمامشان در حفظ دین.^{۱۳}

شهید مطهری در تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی یعنی نبودن مانع در راه رشد و طی کردن کمال.»^{۱۴}
اندیشمندان غربی آزادی را این گونه تعریف می‌کنند: الوسیوس در تعریف آزادی می‌گوید: «آزاد مرد کسی است که در زنجیر نباشد و همچون برده از بیم مجازات در وحشت نباشد.»^{۱۵}

هابز در این باره می‌نویسد: «آزاد مرد آن است که از انجام کاری که بخواهد بازداشته نشود.»^{۱۶}
کانت آزادی را این گونه تعریف می‌کند: «استقلال از هر چیز به جز قانون اخلاقی.»^{۱۷}
آیزایا برلین می‌گوید: «آزادی عبارت است از فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان.»^{۱۸}
منتسکیو درباره تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی عبارت است از عمل به قوانین موضوعه، اما قوانینی که مطابق با قوانین طبیعت باشد (آزادی با قانون گره می‌خورد). از نظر او آزادی یکی از مهم‌ترین قوانین طبیعت است که بشر بر اساس این قانون طبیعت می‌تواند آزادی را در شکل یک قانون طبیعت است که بشر بر اساس این قانون طبیعت می‌تواند آزادی را در شکل یک قانون موضوعه نهادینه و مدرن کند. اگر آزادی در قانون اساسی رعایت شود، نوعی آرامش و امنیت در جامعه به وجود می‌آید.»^{۱۹}

ارزش و اهمیت آزادی به گونه‌ای است که می‌توان آن را یکی از ارکان اساسی تمدن دانست. مملکتی که آزادی نداشته باشد، در واقع می‌توان گفت که تمدن ندارد. برای رسیدن به توسعه و پیشرفت نیازمند این هستیم که آزادی‌های مشروع افراد جامعه سلب نشود، چرا که جامعه نیاز به پیشرفت و توسعه دارد و بدون توسعه جامعه به تدریج رو به اضمحلال و نابودی می‌رود. بنابراین، آزادی باید باشد تا زمینه بروز و ظهور استعدادها فراهم شده و در نتیجه زمینه برای توسعه فراهم گردد.

البته باید به این مطلب توجه کرد که آزادی‌ها حدودی دارند. شهید مطهری معتقد است که لازمه طبیعت جامعه این است، آزادی‌ها محدود باشند؛ ایشان تنها آزادی محدود و مشروط را ارج می‌نهد و معتقد است که آزادی مطلق، نه دست یافتنی است و نه مطلوب.^{۲۰}

از نظر جان راولز، مهم‌ترین معیار محدودیت آزادی، اصل آزادی است. آزادی فقط به خاطر خود آزادی می

تواند محدود شود. مقصود راولز آن است که می‌تواند جهت جلوگیری از خطراتی که متوجه آزادی می‌شود و با هدف صیانت از خود آزادی، آن را محدود نمود.^{۲۱}

جان راولز معتقد است: «وقتی جامعه با عدم امنیت روبرو می‌شود، بایستی آزادی محدود گردد.»^{۲۲} حضرت امام خمینی _رحمه الله علیه_ تشخیص و تعیین حدود و مرزهای آزادی‌ها را وظیفه قانون می‌داند؛ لذا به آزادی قانونی معتقد است. تنها قانون است که موارد آزادی را تعیین می‌کند و دولت اسلامی موظف است به همان اندازه که دغدغه اجرای قوانین برای برقراری امنیت و نظم در جامعه را دارد، دغدغه و نگرانی پاسداری از حریم آزادی‌های مردم را نیز داشته باشد.

امام این مسئله اساسی را این گونه مطرح می‌سازد: «آزادی‌ها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین می‌شود.»^{۲۳}

آزادی انواع گوناگون دارد، از جمله: آزادی‌های سیاسی (آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اندیشه و افکار و ...)، آزادی‌های فردی، آزادی‌های اجتماعی و ... که در اینجا مجالی برای توضیح آن‌ها نیست.

امنیت:

از هنگامی که انسان پا به عرصه گیتی نهاد تا زمان حاضر، همواره پیوندی ناگسستنی میان جوهر هستی او و جستجوی امنیت وجود داشته است. البته نمی‌توان نقطه آغاز مشخصی برای حیات بشری یافت؛ اما از ابتدای خلقت انسان و پا به عرصه گیتی نهادن او، امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است.

امنیت دارای تعاریف زیادی است، ولی هر فرهنگ و مکتبی برای خود باید تعریف روشنی داشته باشد تا بر اساس آن حرکتش را تنظیم کند.

در «فرهنگ لغات»، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن، آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ «عمید» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است.^{۲۴}

در فرهنگ «المنجد»، نیز اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است.^{۲۵}

باری بوزان امنیت را از لحاظ لغوی این گونه تعریف می‌کند: «امنیت عبارت است از محافظت در مقابل

خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید.»^{۲۶}

بنابراین می‌توان گفت که امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است؛ یعنی هم شامل آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است.

امنیت مصونیت از تهدید، تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و در مورد افراد به این معنا است که هراس و بیمی نسبت به بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند. حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را بدون دلیل قانونی و موجه تهدید ننماید.^{۲۷}

برای روشن شدن ارزش و اهمیت امنیت همین بس که در قرآن کریم آیات زیادی به اهمیت امنیت و ارزش آن در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و ... انسان اختصاص داده شده است، که از باب اشاره نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود.

قرآن یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و جانشینی صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد. همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار دادم و آن دینی که برای ایشان پسندیده است. به سودشان مستقر کنم و بیمشان را به ایمنی مبدل گردانم تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.» [نور، آیه ۵۵]

در قرآن شهری که از نعمت امنیت برخوردار باشد، به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است: «خداوند به عنوان الگو و نمونه شهری را نشان می‌دهد که دارای امنیت و آسایش است و همواره روزیش گوارا و گسترده از هر جایی می‌رسد.» [نحل، آیه ۱۱۲]

در قرآن تأمین امنیت از اهداف جهاد شمرده شده است: با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آئین دین خدا باشد و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند (با آن‌ها عدالت کنید که) ستم جز بر ستمکاران روا نیست.»^{۲۸} [بقره، آیه ۱۹۳]

در سخنان ائمه اطهار(ع) نیز مطالبی درباره اهمیت امنیت وارد شده است. در اینجا از باب نمونه مواردی ذکر می‌شود:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش

را دارد جهان سراسر مال اوست.»^{۲۹}

همچنین فرموده‌اند: «امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.»^{۳۰}

امام صادق (ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوارا شمرده است و در این راستا فرموده‌اند: «پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوارا است؛ عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد؛ اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است.»^{۳۱}

اهمیت امنیت به حدی است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرا اليها: الامن و العدل و الخصب.»^{۳۲}

یعنی مردم (در هر جامعه‌ای) به سه چیز محتاج هستند: امنیت، عدالت و رفاه. بر همین اساس یکی از دلایل تشکیل حکومت در جامعه، تامین امنیت اعضای جامعه در تمام ابعاد زندگی می‌باشد. چون بدون امنیت، افراد جامعه نمی‌توانند استعدادهای خود را شکوفا ساخته و در مسیر توسعه قرار گیرند و در این صورت امکان رشد و توسعه از جامعه سلب می‌گردد و حکومت نیز تکیه گاه خود را که مردم هستند از دست می‌دهد.

در آرای امام خمینی (ره) گزاره‌هایی در اهمیت امنیت وجود دارد. ایشان امنیت را یک نعمت تلقی کرده است و در موارد متعددی آن را می‌ستایند. از جمله در یک مورد ضمن مقایسه نظام جمهوری اسلامی با نظام پهلوی معتقد است، در نظام جمهوری اسلامی امنیت مردم به خوبی تأمین شده و دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان از حکومت و نهادهای منتسب به آن خاتمه یافته است:

«این‌هایی که پنجاه و چند سال زیر شکنجه صبر کردند، حالا آزاد شدند. حالا دیگر خوف اینکه یک کسی بیاید بی‌جهت بگیردشان ندارند. یک نعمت بزرگی که خداوند تعالی به شما عنایت فرموده، آن است که در منزلتان راحت می‌خواهید، ترس از سازمان امنیت ندارید، ترس از ارتش ندارید، ترس از حکومت ندارید.»^{۳۳}

امنیت فی‌نفسه یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری است، بلکه خود عامل مهمی جهت رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی است. امنیت یک نیاز فردی - جمعی است و دین اسلام به عنوان یک دین کامل و نظام حقوقی متعالی پاسخگوی نیازهای فرد و اجتماع در همه مکان‌ها و زمان‌هاست.

امنیت ابعاد گوناگونی دارد که به مواردی از باب نمونه اشاره می‌کنیم:

امنیت فردی:

عبارت است از حالتی که فرد - جسماً و روحاً - در آن فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان و یا مال و یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند.^{۳۴}

امنیت اجتماعی:

مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم.^{۳۵}

امنیت ملی:

به مجموعه توانایی‌ها و سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک ملت برای حفاظت خود و ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی گفته می‌شود.^{۳۶}

امنیت سیاسی:

به معنای وجود دستگاه سیاسی است که مردم در آن آزادند که مواضع سیاسی و عقاید سیاسی خود را در چهارچوب قوانین موجود بدون ترس و وحشت بیان کنند؛ اگر چه مخالف دولت باشد.^{۳۷}

قانون اساسی و جمع امنیت و آزادی

معیار همه امور، میزان همه کارها، مبنای عمل همه اشخاص و سازمان‌ها و نهادهای یک جامعه، قانون است و آنچه سلامت امور و پیشرفت کارها و صلاح و سامان فرد و جامعه را تأمین می‌کند، قانون‌گرایی است و تا جامعه‌ای قانون‌گرا نشود، روی اصلاح و پیشرفت و توسعه را در تمام ابعادش نمی‌بیند.^{۳۸}

نظم و امنیت و تأمین آزادی‌های مشروع افراد در هیچ کشوری جز با وضع قانون برقرار نمی‌شود. قانون است که محدوده آزادی‌های فردی و اجتماعی را تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد قانون‌گرایی می‌تواند مبنای مناسبی برای تبیین و ترسیم مباحث درباره آزادی و امنیت قرار گیرد.

از این دیدگاه آزادی را می‌توان این گونه تعریف کرد: «آزادی، یعنی استقرار امنیت همگانی در چهارچوب

قانون.»^{۳۹}

با بررسی اصول درج شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، متوجه می‌شویم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر انواع آزادی‌های مشروع و حفظ و تأمین امنیت تأکید شده و میان آزادی و امنیت پیوندی برقرار شده است. در واقع یکی از ویژگی‌های قانون اساسی کشور ما این است که هم به آزادی و هم به امنیت اهمیت داده و تصریح نموده که جمع این دو پیش شرط جامعه مطلوب است.

به طور مثال، در اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سعی شده تا به نحوی قابل قبول یک نوع تعادل منطقی بین مقولات آزادی و امنیت برقرار شود.

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و تمامیت ارضی (امنیت) از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند. هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.^۴

با بررسی برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصل نهم، نتایج زیر را می‌توان استنتاج نمود:

الف) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هم آزادی و هم امنیت به یکسان واجد ارزش و برابری شناخته شده‌اند.

ب) امنیت و برقراری آن در یک جامعه مستلزم وجود و تأمین امر مهم، یعنی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی در کنار هم است.

ج) تهدید و تحدید آزادی‌های مشروع به هر شکل ممکن ممنوع است.

د) اصل نهم هم شهروندان و هم حکومت گران آن را مکلف به حفظ استقلال و آزادی و تمامیت ارضی کشور می‌داند.

قانون، بستر اصلی تأمین امنیت است و بدون آن هرج و مرج و بی‌نظمی حاکم می‌گردد که در نتیجه آزادی‌های مشروع هم نادیده گرفته می‌شود.

آزادی همچون بستری است که در قلمرو آن می‌توان با امنیت کامل و آرامش خاطر از آزادی‌های مشروع و

قانونی برخوردار شد و در صورت تعرض دیگران می‌توان با حکم قانون از کار آنان جلوگیری کرد. در قانون اساسی کشور ایران که بر اساس قوانین اسلامی تدوین شده است، هم بر آزادی‌های مشروع و هم تأمین و حفظ امنیت تأکید شده است. در واقع قانون هم ضامن آزادی‌های اساسی و قانونی است و هم تحدید و تنظیم‌کننده آزادی‌ها و هم تضمین و تأمین‌کننده امنیت.

ارتباط آزادی و امنیت

زمانی که در حوزه تئوریک بحث از آزادی و امنیت می‌شود، یقیناً در اینجا حق تقدم با آزادی است و آزادی مقوله‌ای بسیار فراتر از امنیت می‌باشد؛ چرا که بحث از حوزه اختیارمندی و شأن انسانی است. چرا که آزادی یک هدیه الهی است و یک امر ذاتی است که خداوند در نهاد بشر قرار داده است. اما زمانی که بحث در حوزه رفتار اجتماعی می‌شود اینجا آزادی هم‌تراز امنیت است؛ یعنی مردم همان قدر به آزادی احتیاج دارند که به امنیت نیاز دارند. بسیار اتفاق افتاده است که مردم از آزادی‌شان می‌گذرند برای رسیدن به امنیت و زمانی هم امنیتشان را به خطر می‌اندازند تا به آزادی برسند.

در واقع، امنیت و آزادی به هم ارتباط می‌یابند و هر یک بدون دیگری بی‌معنا خواهد بود. آزادی اساس امنیت است و امنیت باعث فعلیت یافتن و شکوفایی آزادی و تحقق آن در وجود فرد و جامعه می‌گردد. بنابراین، آزادی آن است که فرد با احساس امنیت، از آزادی‌اش به طور صحیح بهره‌برداری کند و گرنه آزادی همراه ترس و اضطراب معنی ندارد.^{۴۱}

برای نشان دادن ارتباط وثیق آزادی و امنیت می‌توان از تعاریفی یاد نمود که در آنها امنیت به آزادی تعریف شده است: «امنیت، آزادی از عدم امنیت است» و «امنیت، آزادی نسبی از تهدیدات آسیب‌رساننده است.»^{۴۲} و یا «امنیت، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند است و یا در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن.»^{۴۳}

توسعه، امنیت و آزادی

توسعه یک فرایند هدفدار و یک جریان پویاست. توسعه هر جامعه‌ای، خاص آن جامعه است؛ چرا که ارزش های حاکم بر جوامع، با هم متفاوتند.^{۴۴}

کشور جمهوری اسلامی ایران، که یک کشور اسلامی است می‌خواهد در عین حفظ همه ارزش‌های اصیل اسلامی به رشد و توسعه همه جانبه برسد.^{۴۵} در واقع برای کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران، که یک کشور در حال توسعه است، تعادل در تعامل بین توسعه، امنیت و آزادی یک ضرورت انکارناپذیر است.

زندگی در جهان کنونی مستلزم دستیابی به حداقلی از قدرت رقابت و سطح قابل قبولی از توسعه است. اما دست یابی به این اهداف هر روز بیش از پیش دشوار می‌شود. در ایران به دلایل گوناگون، توسعه و پیشرفت امری اجتناب ناپذیر شده است. پاسخگویی به نیازهای روزافزون اقشار مختلف جامعه، برخورداری از جایگاه متناسب با شأن ملت و تمدن دیرینه ایران، برخورداری از زندگی شرافتمندانه و ایجاد فرصت لازم جهت نیل به معنویت و کمال به عنوان مقصد نهایی انسان‌ها و غیره، مستلزم بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.^{۴۶}

در اندیشه اسلامی و حتی غربی، ظرف فعلیت بخشی استعدادهای انسانی، عرصه اجتماعی و مدنی است و مدنیت انسان نیز محتاج نظم و امنیت است و آفرینندگی و ابتکار، یعنی اصلی‌ترین ممیز تمدن، تنها در صورت وجود امنیت شکوفا و بالنده می‌شود. بدین ترتیب کار ویژه آزادی در تحقق قابلیت‌های انسانی و ایجاد مدنیت و تمدن و فرهنگ متعامل با دین و اخلاقیت در علم و هنر، بیش از هر چیز نیازمند ثبات و امنیت است. جامعه بالنده و ایمن و آزاد، با تأمین امنیت خویش خاستگاه تمدن و فرهنگ است و از سوی دیگر، بالندگی تمدنی و فرهنگی ضامن حفظ ثبات و امنیت جامعه آزاد است.^{۴۷}

بنابراین امنیت از لوازم توسعه است و بدون امنیت از توسعه بهره‌مند نخواهیم شد و البته بدون توسعه نیز امنیت نخواهیم داشت و بدون رعایت آزادی‌های مشروع به هیچ یک از آن‌ها دست نخواهیم یافت و هیچ یک از این اهداف محقق نخواهند شد، مگر آنکه همه آن‌ها پیشرفت کنند.

خلاصه اینکه، گرانبهاترین گوهر زندگی آدمی یعنی آزادی که مثابه مبنای نظم و امنیت شهروندان است، با

قانون یعنی با ارزش‌ترین وسیله زندگی اجتماعی و مؤثرترین آلت تحقق امنیت، محدود می‌شود و تا زمانی که در جامعه آزادی و امنیت توامان برقرار نباشد، جامعه به پیشرفت و توسعه نخواهد رسید؛ چرا که توسعه در سایه امنیت و آزادی تحقق می‌یابد و در فرایند توسعه، امنیت و آزادی نیز تقویت خواهند شد. در واقع، دفاع از آزادی و امنیت از جمله عناصری هستند که هم توسعه برانگیزند و هم می‌توانند محصول توسعه تلقی شوند.^{۴۸}

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«مردم باید محور توسعه باشند، ایجاد امنیت بسیار مهم است و باید حتماً ملاحظه شود. آزادی باید به شکل منطقی و صحیح در جامعه تأمین شود. همان آزادی که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پرچمش را در دنیای اسلام بلند کرد. نه آزادی به شکل افراطی، تقلیدی و من‌درآوردی. اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی هم ریشه‌دار و دارای مبنای دینی است.»^{۴۹}

راه‌کارهای تحقق امنیت و آزادی

اگر بپذیریم که امنیت و آزادی از جمله نمازهای واقعی انسان است و آزادی و امنیت در تراز یکدیگرند، باید ساز و کارهای اجرایی‌مان را به شکلی طراحی کنیم که بیشترین میزان امنیت با بیشترین سطح آزادی و بیشترین سطح آزادی با بیشترین ضریب امنیت، ایجاد شود. این دیگر به هنر اجرا برمی‌گردد و دولت قوی اینجا خودش را نشان می‌دهد.

باید کاری کنیم که ارتباط و تلازم همیشگی امنیت و آزادی به شکل یک استراتژی کلان در جامعه اسلامی اتخاذ گردد. بر همین اساس باید در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بتوانیم به راهکارهای لازم دست یابیم.

الف) راه‌کارهای سیاسی

مهم‌ترین راهکارهایی که در این زمینه می‌توان اشاره داشت عبارتند از: افزایش مشارکت سیاسی؛ بر این اساس باید فعالیت‌های مشارکتی مردمی مورد تشویق قرار گرفته و امنیت کامل برای فعالیت آن‌ها تأمین گردد.

همچنین ترغیب مردم به شرکت بیشتر و گسترده تر در انتخابات در رده‌های گوناگون و مبارزه با مشکلات موجود در نظام اداری مانند کم کاری، رشوه، و غیره انجام گیرد.^{۵۰}

باز هم از جمله راهکارهایی که موجب تقویت امنیت و آزادی می‌گردد، پاسخگویی مسئولین نظام است. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه» همه در همه رده‌ها باید در قبال مسئولیت خود پاسخگو باشند. همچنین از قوانینی که حمایت کننده آزادی‌های فردی و اجتماعی و قوانینی که تأمین و تضمین کننده امنیت می‌باشد حمایت کنند.

(ب) راه‌کارهای اجتماعی

در این بخش باید ضمن تقویت نهادهای اجتماعی با محوریت مردمی بودن و مبارزه با مفاسد اجتماعی، در مرحله بعد راه‌کارهای آموزش و تربیت در جهت تقویت نهاد خانواده، مشارکت جوانان، زمینه برای نیروهای دارای خلاقیت مهیا گردد. توجه به اقشار آسیب پذیر و محروم جامعه و تلاش در جهت محرومیت زدایی، و در یک کلام گسترش عدالت اجتماعی و کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه اسلامی از مهم‌ترین و کارآمدترین راهکارها برای ایجاد ارتباط بین آزادی و امنیت می‌باشد.^{۵۱}

(ج) راه‌کارهای اقتصادی

در این بخش مهم‌ترین راهکار بسط عدالت اقتصادی در نظام اسلامی می‌باشد، توزیع بهتر ثروت و منابع و فرصت‌ها در میان اقشار جامعه به خصوص نیازمندان و کاهش فاصله بین اقشار اجتماعی در تأمین امنیت و آزادی توأمان بسیار تأثیرگذار است.

(د) راه‌کارهای قضایی

برای برقراری امنیت همه جانبه در اجتماع به دستگاه قضایی هوشیار، نیاز است. دستگاه قضایی باید توانا و عدالت گستر باشد تا بتواند جریان‌اتی که در جامعه اتفاق می‌افتد را درک کند، پناه مظلومان، ضد ظالمان و توانا بر متجاوزان باشد. شهروندان نیز باید به وجود چنین دستگاه قضایی اطمینان داشته باشند و آن را در هنگام ستم دیدگی، پناهگاه مطمئن بدانند.^{۵۲}

خاتمه

پس آزادی و امنیت از جمله نیازهای واقعی انسان است و وجود هر دو توامان در جامعه، لازمه پیشرفت و توسعه است. امنیت متضمن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است و آزادی هم با خود امنیت به همراه می‌آورد؛ چرا که اگر این طور نشود دیگر آزادی نیست بلکه هرج و مرج است.

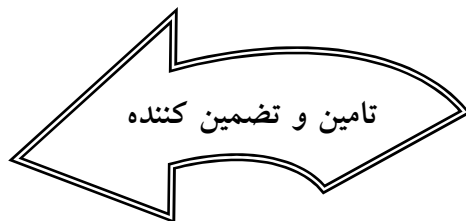
از طرفی آزادی، یعنی گرانبهاترین گوهر زندگی انسان، با قانون، یعنی با موثرترین آلت تحقق امنیت، محدود می‌شود. قانون بستر اصلی تأمین امنیت است و بدون آن بی‌نظمی و هرج و مرج حاکم می‌گردد که در نتیجه آزادی‌های مشروع مردم هم نادیده گرفته می‌شود.

در واقع، می‌توان گفت که قانون رابطه آزادی و امنیت را در جامعه تنظیم می‌کند تا هر دو، یعنی هم آزادی و هم امنیت، توامان در جامعه برقرار باشد تا در نتیجه زمینه برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم شود و کشور به پیشرفت و توسعه همه جانبه دست پیدا کند. توسعه در سایه امنیت و آزادی تحقق می‌یابد و در فرایند توسعه، امنیت و آزادی تقویت خواهند شد.

وظیفه دولت اسلامی این است که با توجه به مقتضیات فرهنگی و تاریخی ایران و بر اساس ارزش‌های اسلامی - انقلابی، ساز و کارهای اجرایی را به شکلی طراحی کند که بیشترین میزان امنیت با بیشترین سطح آزادی و بیشترین سطح آزادی با بیشترین ضریب امنیت ایجاد شود و به این صورت زمینه را برای رشد و توسعه روزافزون جامعه اسلامی فراهم آورد.

جامعه ایرانی اسلامی در افق چشم انداز خود، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت؛

«توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی ...»^{۵۳}



آزادی

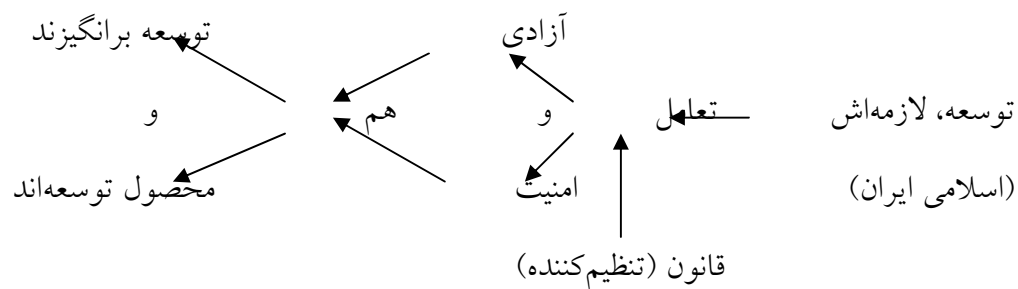
امنیت

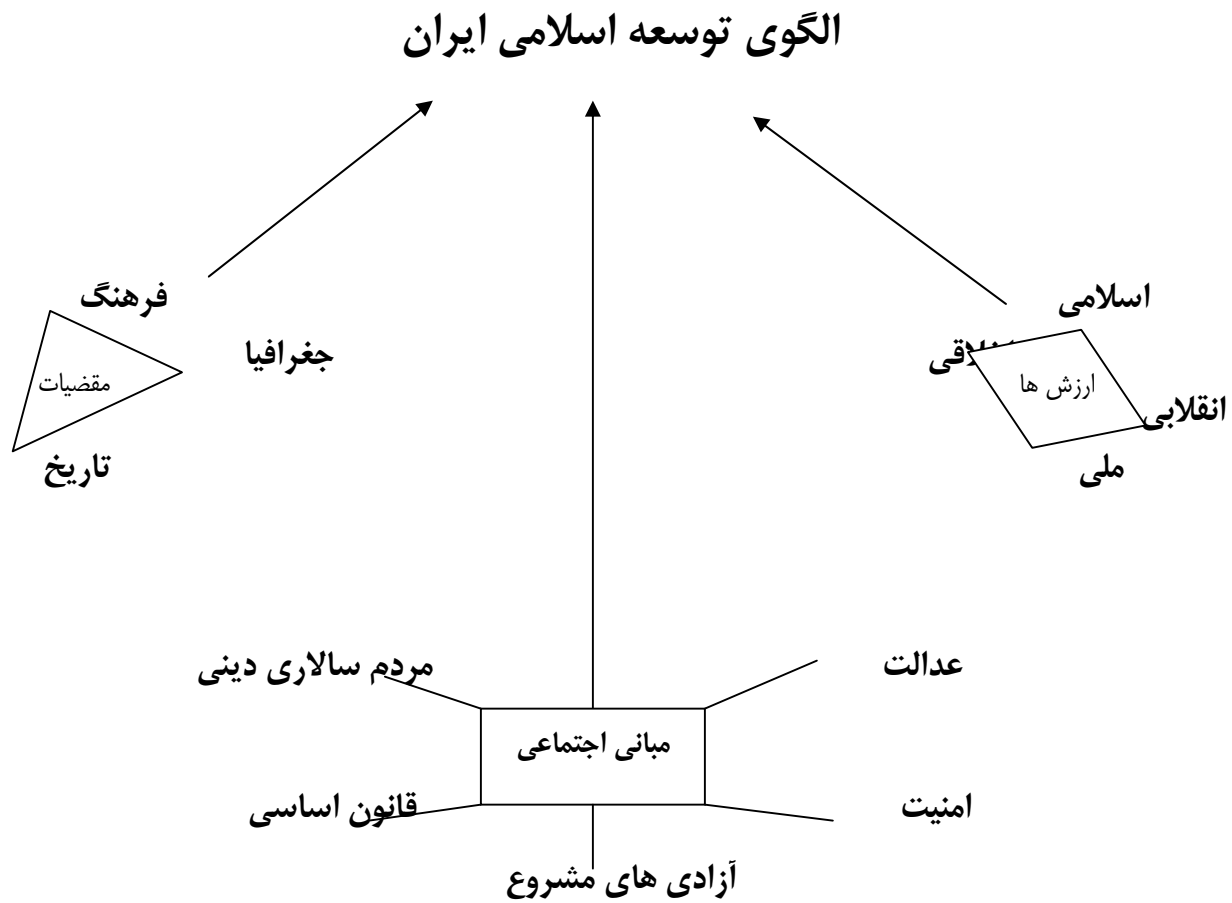
قانون اساسی
(تنظیم کننده و ضامن)



توسعه

آزادی ← امنیت





جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:
 توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی،
 ملی و انقلابی، با تأکید بر آزادی‌های مشروع، عدالت، بهره‌مندی از امنیت و غیره.

پی‌نوشت:

۱. دکتر منصور میراحمدی، *جزوه درسی*.
۲. سید رضوی فقیه، «دولت، امنیت و آزادی»، نشریه آفتاب امروز، ۷۹/۱.
۳. شریف لک زایی، «مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۳.
۴. داود رادمند، «امنیت و آزادی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۳، ش ۹، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۱۴-۲۲۳.
۵. *نهج البلاغه*، نامه ۳۱.
۶. علی دژاکام، *آزادی و دینداری* (تهران: تأویل، ۱۳۶۹) ص ۳.
۷. منتسکیو، *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مجتهدی، (تهران: امیرکبیر) ص ۲۹۲.
۸. حسن عمید، *فرهنگ فارسی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱) ص ۵۱.
۹. لوئیس معلوف، *المنجد* (تهران: اسماعیلیان، ۱۳۶۵) ص ۱۲۴.
۱۰. محمد حسین جمشیدی، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)* (پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵) ص ۲۴۴.
۱۱. جمشیدی، *پیشین*، ص ۲۴۴ و نیز؛ صحیفه نور، ج ۳، ص ۵۱۰.
۱۲. منصور میراحمدی، *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام* (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱) ص ۱۲۰.
۱۳. محمد حسین نائینی، *تنبيه الامه و تنزيه المله* (تهران: بی نا، ۱۳۳۴) ص ۱۲۱.
۱۴. مرتضی مطهری، *گفتارهای معنوی* (قم: صدرا، ۱۳۶۱) ص ۱۰.
۱۵. ایزیا برلین، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحدی (تهران: خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۸) ص ۲۳۸.
۱۶. همان، ص ۲۳۹.
۱۷. علی دژاکام، *پیشین*، ص ۴.
۱۸. ایزیا برلین، *پیشین*، ص ۴۶.
۱۹. دکتر منصور میراحمدی، *جزوه درسی اندیشه سیاسی غرب*.
۲۰. مرتضی مطهری، *گفتارهای معنوی* (قم: صدرا، ۱۳۶۱)، ص ۱۳.
۲۱. سید علی محمودی، *عدالت و آزادی* (تهران: موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۶) ص ۱۲۹.

۲۲. همان، ص ۱۲۹.
۲۳. محمد حسین جمشیدی، پیشین، ص ۲۶۲.
۲۴. پیشین، فرهنگ عمید، ص ۳۵۴.
۲۵. پیشین، المنجد، ص ۱۸.
۲۶. باری بوزان، مردم، دولت ها و هراس (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸) ص ۵۲.
۲۷. شریف لک زایی، پیشین، ص ۲۵۸.
۲۸. به نقل از کتاب بهرام اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام.
۲۹. بهرام اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام (تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵) ص ۱۶۲.
۳۰. همان.
۳۱. همان.
۳۲. محمد حسین جمشیدی، پیشین، ص ۶۱۵.
۳۳. شریف لک زایی، پیشین، ص ۱۳۸.
۳۴. اخوان کاظمی، پیشین، ص ۲۳.
۳۵. شریف لک زایی، پیشین، ص ۱۳۷.
۳۶. احمد امیدوار، امنیت: امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردهای عملی (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹، ص ۷۸ و ۷۹).
۳۷. فصلنامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۳۴، ص ۲۵۹.
۳۸. مصطفی دلشاد تهرانی، عارض خورشید: مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸) ص ۳۳۴.
۳۹. مسعود رضایی، «آزادی و امنیت، دو گوهر همزاد»، هفته نامه ارزش ها، ش ۷۱.
۴۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به کوشش محسن اسماعیلی، (انتشارات شهید مسلم، ۱۳۷۸) ص ۲۶.
۴۱. محمد حسین جمشیدی، پیشین، ص ۲۴۸.
۴۲. محمد رضا تاجیک، مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی، ج.۱، رهیافت ها و راهبردها (تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰)، ص ۴۳.

-
۴۳. سلمان شایان فر، *وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری* (تهران: نذیر، ۱۳۸۰) ص ۱۱۵.
۴۴. میثم موسایی، *دین و فرهنگ توسعه* (قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴) ص ۵۷.
۴۵. همان، ۱۲.
۴۶. حسین شیخ زاده، *نخبگان و توسعه ایران* (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴) ص ۹.
۴۷. بهرام اخوان کاظمی، «آزادی و امنیت و حدود آن»، جام جم، ۷۹/۷/۵.
۴۸. میثم موسایی، *پیشین*، ص ۲۵.
۴۹. دکتر نجف لک زایی، *جزوه درسی*.
۵۰. محمد حسین فتاحیان، *ابعاد سیاسی، اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۵۸، ص ۱۶۷.
۵۱. همان.
۵۲. همان.
۵۳. دکتر نجف لک زایی، *جزوه درسی*.